



بررسی ارتباط میان توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانانه

دکتر محمود همت فرا^۱

دانشیار، گروه حسابداری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۱ تیر ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۴ آذر ۱۳۹۸)

توانمند سازی، فرایند تقسیم مقدار ثابتی از قدرت نیست؛ بلکه فرایندی است که قدرت نسبی هر فرد به واسطه آن افزایش می‌یابد و قدرت جدیدی برای سازمان ایجاد می‌شود. توانمند سازی، نفوذ مبتنی بر صلاحیت است که باید ایجاد شود. تحریف صورتهای مالی، شامل دستکاری عناصر تشکیل دهنده آنها از طریق ارائه بیش از واقع دارایی، فروش و سود یا ارائه کمتر از واقع بدهی، هزینه و زیان است. در مواقعی که صورتهای مالی حاوی تحریفی با اهمیت است به گونه‌ای که عناصر تشکیل دهنده آن صورت مالی بیانگر واقعیت نباشد، گفته می‌شود که تقلب صورت گرفته است. به رغم تحقیقات متعدد خارجی در خصوص کشف تقلب در گزارشهای مالی، در داخل کشور به این موضوع توجه زیادی نشده است. از این رو در تحقیق حاضر به بررسی ارتباط میان توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانانه در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. تحقیق حاضر از لحاظ طبقه‌بندی تحقیق بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. همچنین برای برآورد مدل‌های فوق از تخمین رگرسیون به روش داده‌های پانل استفاده می‌شود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است و بازه زمانی تحقیق به مدت ۵ سال است که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که وجود مدیران توانا در شرکت‌ها باعث کاهش صورتهای مالی متقلبانانه می‌گردد. همچنین مشخص گردید که ارتباطات سیاسی باعث کاهش توانایی مدیریت در احتمال وقوع گزارشات مالی متقلبانانه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی، گزارشگری مالی متقلبانانه.

^۱ dr.hematfar@yahoo.com

مقدمه

با توجه به گسترش روز افزون بازارهای مالی، نقش اصلی اطلاعات حسابداری در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی تضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان عامل مهمی در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه تعیین صحت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است. تقلب در گزارشگری و حسابداری مالی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است [۱۸].

در پاسخ به نگرانی درباره کیفیت شفاف سازی در حسابداری مالی و گزارشگری مالی در آمریکا، هیات استاندارد های حسابداری مالی^۱ پیشنهادی مبنی بر رویکرد «مبتنی بر اصول»^۲ برای تدوین استانداردهای آمریکایی ارائه داد [۳]. در یک رویکرد حسابداری مبتنی بر اصول، تلاش می شود تا محتوای اقتصادی معاملات بر شکل ارائه آنها رجحان داده شود. در چنین رویکردی ارائه چارچوب کلی و در عین حال ساده، مقدم بر جزئیات بیش از اندازه و ارائه تفصیلی تمامی موقعیت های احتمالی، ممکن است. نگرانی عمده این بود که استانداردهای آمریکایی به طور فزاینده ای مفصل و پیچیده می شد و به دلیل فراوانی نتایج پیچیده و مفصل رهنمود های تکمیلی «مبتنی بر قواعد»^۳، استانداردها ممکن بود به شرکتها اجازه بدهند معاملاتی انجام بدهند که قوانین را دور بزنند و بدین ترتیب نیت ها و خواست های افراد بر قانون پیش دستی کند. در پاسخ به این نگرانی ها، FASB همانند رویکردی که قبلاً برای استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی^۴ وجود داشت، تصمیم به ایجاد رویکرد «مبتنی بر اصول» در تدوین استانداردهای آمریکا که ضمانت اجرایی داشته باشند، گرفت. کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا^۵ همچنین تفسیرهای مربوط به پیشنهاد FASB را به عنوان بخش ۱۰۸ (قانون Sarbanes - Oxley) مورد بررسی قرار داده تا مطالعه ای را که روی تدوین سیستم حسابداری «مبتنی بر اصول» در ایالات متحده انجام می شد را رهبری کند و گزارش آن را به کنگره ارائه کند [۷]. گزارشگری مالی متقلبانانه، تحریف یا حذف عمدی مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی برای فریب استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است که شامل بازی اعداد مالی می‌شود. بازی اعداد مالی، به‌کارگیری روش‌های حسابداری ساختگی برای دگرگون‌سازی برداشت استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از عملکرد تجاری شرکت است. روش‌های حسابداری ساختگی یعنی به‌کارگیری یک یا چند روش برای بازی با اعداد مالی شامل انتخاب و به‌کارگیری رویه‌های حسابداری به‌گونه‌ای متهورانه و هرگونه اقدامی برای مدیریت یا هموارسازی سود [۹].

^۱ FASB

^۲ Principles-Based Approach

^۳ Rules-Based Approach

^۴ IFRS

^۵ SEC

مدیران عالی به دلیل دسترسی به اطلاعات درونی و محرمانه شرکت، انتظار می‌رود دارای درک بیشتری از کسب و کارشان باشند که این امر موجب می‌شود آنها برآوردها و قضاوت‌های بهتری را انجام دهند. در تئوری‌های حسابداری توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌ها است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می‌شود. توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند [۱۳]. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت، می‌شود. توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت و بهبود گزارشات مالی شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تاثیر به‌سزایی بر روی عملکرد شرکت داشته باشد. افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌روست، مدیران توانا تر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تامین منابع مورد نیاز خواهند داشت. سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی مدیران توانمند است [۴].

در شرایط پیچیده و متغیر دوران گذار، بسیاری از جوامع جهان سوم به دموکراسی رسانه‌های جمعی، به مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری سیاسی مدیران، توجه دارند و به نقش بسیار حساس این رسانه‌ها در افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی، ترغیب مدیران به مشارکت و گزینش‌گری سیاسی و به طور کلی آماده ساختن افکار عمومی برای برعهده گرفتن نقش‌های سیاسی در سازمان (در مقام انتخاب شونده‌گان و نخبگان سیاسی یا انتخاب کنندگان و مدیران سیاسی) و حضور در فرایندهای انتخابات قانونی، آزاد و مستقل با حضور طیف‌های متنوع سیاسی، فرهنگی، قومی، نژادی، و مذهبی اهمیت می‌دهند. یکی دیگر از عوامل مهم و شایان توجه که کیفیت گزارشگری مالی شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباطات سیاسی مدیران در بنگاه‌های اقتصادی است [۱]. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این وضعیت در نهایت سبب ایجاد تفاوت‌های چشمگیر در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌هایی شود که در مقایسه با سایر شرکت‌ها روابط سیاسی گسترده‌ای دارند. در کشور ما هیچ نهادی بطور مستقیم برای تحقیق و کشف موارد تقلب احتمالی و نیز هیچ پایگاه اطلاع‌رسانی برای گزارش این قبیل موارد وجود ندارد [۹]. نهادهایی از قبیل سازمان بورس اوراق بهادار اطلاعات احتمالی مربوط به هرگونه تحریف و بطور خاص تقلب در صورت‌های مالی را در اختیار عموم و تحلیلگران قرار نمی‌دهند. از این‌رو با توجه به موارد ذکر شده و نیاز به بررسی و ارزیابی بیشتر در حوزه گزارشگری مالی متقلبان، توانایی‌های مدیریت و ارتباطات سیاسی این تحقیق به ارزیابی و بررسی ارتباط میان توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

توانایی مدیران

یکی از اصلی‌ترین دلایل موفقیت شرکت‌ها در صنایع مختلف وجود مدیران توانا و کارآمد در سازمان‌ها می‌باشد. مدیران سطح عالی به دلیل دسترسی به اطلاعات درونی و محرمانه شرکت، انتظار می‌رود دارای درک بیشتری از کسب و کارشان باشند که این امر موجب می‌شود نسبت به امورات شرکت بینش صحیح‌تری داشته باشند [۱۵]. در تئوری‌های حسابداری توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌ها است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می‌شود. توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند [۲۶]. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت، می‌شود. توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت و بهبود گزارشات مالی شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تاثیر به‌سزایی بر روی عملکرد شرکت داشته باشد. افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌روست، مدیران توانا تر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تامین منابع مورد نیاز خواهند داشت. سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی مدیران توانمند است [۲۷].

گزارشگری مالی

در پاسخ به نگرانی درباره کیفیت شفاف سازی در حسابداری مالی و گزارشگری مالی در آمریکا، هیات استاندارد های حسابداری مالی (FASB) پیشنهادی مینی بر رویکرد « مبتنی بر اصول^۱ » برای تدوین استانداردهای آمریکایی ارائه داد. (FASB)، اکتبر ۲۰۰۲. در یک رویکرد حسابداری مبتنی بر اصول، تلاش می‌شود تا محتوای اقتصادی معاملات بر شکل ارائه آنها رجحان داده شود. در چنین رویکردی ارائه چارچوب کلی و در عین حال ساده، مقدم بر جزئیات بیش از اندازه و ارائه تفصیلی تمامی موقعیت‌های احتمالی، ممکن است [۱۸]. نگرانی عمده این بود که استانداردهای آمریکایی به طور فزاینده ای مفصل و پیچیده می‌شد و به دلیل فراوانی نتایج پیچیده و مفصل رهنمود های تکمیلی «مبتنی بر قواعد آ»، استانداردها ممکن بود به شرکتها اجازه بدهند معاملات انجام بدهند که قوانین را دور بزنند و بدین ترتیب نیت ها و خواست های افراد بر قانون پیش دستی کند [۵]. در پاسخ به این نگرانی ها، FASB همانند رویکردی که قبلاً برای استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی (IFRS) (وجود داشت، تصمیم به ایجاد رویکرد « مبتنی بر اصول » در تدوین استانداردهای آمریکا که ضمانت اجرایی داشته باشند، گرفت. کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا (SEC) همچنین تفسیرهای مربوط به پیشنهاد FASB را به عنوان بخش ۱۰۸ (قانون Sarbanes - oxley) مورد بررسی قرار داده تا مطالعه ای را که روی تدوین سیستم

¹ Principles-Based Approach

² Rules-Based Approach

حسابداری « مبتنی بر اصول » در ایالات متحده انجام می‌شد را رهبری کند و گزارش آن را به کنگره ارائه کند [۲۴].

پیشینه تحقیق

پیشینه خارجی

فریت فونگ [۲۲] در پژوهشی بررسی در حوزه تحقیقات مربوط به تشخیص تقلب انجام دادند آن‌ها در مطالعه خود تمام مقاله‌های علمی منتشر شده درباره انواع اصلی و زیر مجموعه‌های شناخته شده تقلب را فرمول‌بندی، مقایسه و خلاصه کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهند در مقایسه با سایر روش‌های مرتبط با تشخیص تقلب بهتر و کارآمدتر است.

برترند و همکاران [۱۸] در پژوهشی تأثیر توانایی مدیران و مدیریت سود در شرکت‌های آمریکایی انجام داده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بین میزان حسن شهرت مدیریت و کیفیت سود رابطه منفی وجود دارد. همچنین ایشان معتقدند که هیات مدیره، برای مدیریت محیط‌های عملیاتی بسیار پیچیده و متغیر، مدیران مشهور و متخصص را به خدمت می‌گیرند و دلیل پایین بودن کیفیت سود این شرکت‌ها، محیط‌های عملیاتی متغیر و سایر ویژگی‌هایی درونی آن‌ها است و اقدامات مدیریت ارتباطی به آن ندارد.

یانگ [۲۹] در تحقیقی که در حوزه روابط سیاسی و ساختار مالکیت بود نشان دادند که در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت آن متمرکز است، روابط سیاسی بیشتری وجود دارد، همچنین کیفیت سود گزارش شده در این شرکت‌ها پایین‌تر است. می‌توان بیان کرد که سرمایه‌گذاران نهادی در نظام راهبری شرکتی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. آنان می‌توانند با دانش و تجربه کافی در زمینه‌های مالی و تخصصی، بر مدیریت شرکت نظارت داشته باشند. این امر می‌تواند مبنایی برای همسویی منافع مدیریت با منافع گروه سهامداران، در راستای حداکثرسازی ثروت سهامداران باشد (فرضیه نظارت فعال). با وجود این، مالکیت سهامداران نهادی می‌تواند تأثیرات منفی هم داشته باشد، مانند دسترسی به اطلاعات محرمانه که عدم تقارن اطلاعاتی را بین آنان و سهامداران کوچکتر ایجاد می‌کند (فرضیه منافع شخصی).

رونن [۲۱] در پژوهشی تحت عنوان تأثیر تقلب در صورت‌های مالی بر عملکرد حسابرسان نشان دادند که آیا انواع معینی از تقلب گزارشگری مالی منجر به وقوع دعاوی با احتمال بالا علیه حسابرسان مستقل می‌شود یا خیر؟ آن‌ها رده بندی جدیدی از انواع مدارک تقلب ارائه نمودند که شامل ۱۲ طبقه کلی می‌شود. آن‌ها دریافتند که حسابرسان هنگامی که تقلب‌های گزارشگری مالی از انواع معمولی و با هنگامی که تقلب‌های ناشی از مبادلات ساختگی را کشف نمایند بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. به ارزیابی احتمال گزارشگری مالی متقلبانه از طریق بررسی عوامل ریسک مثل تقلب پرداختند و دریافتند که گزارشگری مالی متقلبانه همبستگی مثبتی با فشارهای مالی وارده بر شرکت، وجود درصد بالاتری از معاملات پیچیده در شرکت، زیر سوال بودن صلاحیت و درستکاری مدیریت، عدم وجود رابطه مناسب و خوب بین مدیریت و حسابرس دارد.

جایارمن و ملبرن [۲۴] در پژوهشی بیان کردند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی در مالزی، به طور عمده اهرم مالی بالاتری در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند و همچنین این شرکت‌ها به طور ذاتی ریسک

بیشتری نسبت به شرکت های بدون ارتباطات سیاسی دارند. همچنین ایشان بیان کردند که سهامداران نهادی همچنین می‌توانند تضادهای نمایندگی را به واسطه مالکیت عمده خود، شدیدتر کنند. لذا به نظر میرسد که سهامداران نهادی سبب جدایی مالکیت و کنترل می‌شوند؛ در حالیکه درگیری فزاینده آنان در شرکت‌ها و متمرکز کردن مالکیت، راهی برای نظارت بر مدیریت شرکت ایجاد می‌کند با توجه به دلایل ذکر شده، براساس فرضیه نظارت فعال، تمرکز مالکیت موجب می‌شود که بلوک داران، رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش سودهای بیکیفیت اصلاح کنند و در نهایت کیفیت سود را ارتقا دهند، یا این که طبق فرضیه منافع شخصی، سهامداران بزرگ ممکن است تمایل کمتری به تشویق مدیریت برای گزارش سود با کیفیت بالا داشته باشند که این می‌تواند نشانه رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و کیفیت سود باشد. کالندو، کوپینینگ [۲۰] تحقیقی در حوزه تقلب در صورت‌های مالی با عنوان بررسی شرکت‌های متقلب پرداختند و این موضوع را آیا انجام مدیریت سود توسط شرکت بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی آن تاثیر دارد یا خیر را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که احتمال تقلب در شرکت‌هایی که دوره‌های پیشین اقدام به مدیریت سود کرده اند، بیش تر است.

پیشینه داخلی

رضایی و ویسی حصار [۱۲] در پژوهشی به بررسی اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه تمرکز مالکیت با گزارش‌گری مالی و هزینه سهام عادی در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته و نتایج تحقیقات ایشان نشان داد در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکز است، کیفیت سود نیز بالاست؛ حال آنکه در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی پایین است، ولی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی بالا است.

کردلر و پیچا [۷] در پژوهشی به بررسی توانایی مدیریتی و کیفیت گزارش‌گری مالی در بورس اوراق بهادار پرداخته و نتایج تحقیقات ایشان بیانگر یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارش‌گری مالی رابطه معناداری وجود دارد و رابطه آنها منفی است. البته با در نظر گرفتن تأثیر متغیر دامی (اندازه حسابرس) بر متغیرهای مستقل و کنترلی مشاهده می‌شود که توانایی مدیریتی با کیفیت گزارش‌گری مالی رابطه مثبت دارد.

وحیدی و ابراهیمیان [۱۱] در تحقیقی با عنوان "برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارش‌گری مالی متقلبان" نتایج بررسی‌ها نشان داد که تفاوت عمده‌ای در برداشت حسابرسان داخلی و مستقل وجود ندارد و از دیدگاه آنها، موثرترین علامت خطر نظارت ناکافی بر کنترلها داخلی با اهمیت می‌باشد. هر دو گروه حسابرسان علایم خطر ناشی از فرصت را موثرتر از علایم خطر ناشی از نگرش و انگیزه در کشف گزارش‌گری متقلبان طبقه بندی می‌کنند.

مشایخ و اسماعیلی [۱۰] در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین دستکاری و تقلب در ارائه سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران" پژوهشگر اظهار کرد که

رسوایی‌های حسابداری و سقوط شرکت‌هایی نظیر انرون و ورلدکام در آمریکا و شرکت تل وان در استرالیا، نگرانی‌های جدی در مورد مدیریت سود، استفاده از سود گزارش شده و مسائل اخلاقی تهیه‌کنندگان و حسابرسان گزارش‌های مالی را به وجود آورده است. سازمان‌های قانون‌گذار در کشورهای آمریکا و استرالیا به شکست شرکت‌ها و افشای تقلب‌ها از طریق بهبود اصول راهبری شرکت پاسخ گفتند. کیفیت سود، میزان تداوم سود شرکت یعنی توانایی سودهای جاری برای پیش‌بینی عایدات آتی تعریف و به عنوان تابعی از ارقام تعهدی در نظر گرفته شد. نتیجه آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد تعداد مدیران غیر موظف و درصد مالکیت اعضای هیات مدیره که از ساز و کارهای راهبری شرکت محسوب می‌شوند، در ارتقای کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس نقش با اهمیتی دارند.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی و در حوزه تحقیقات حسابداری و حسابرسی می‌باشد. در واقع، تحقیقات شبه تجربی به منظور نزدیک ساختن تحقیق به شرایط تجربیات حقیقی در مواردی که امکان کنترل یا به‌کارگیری تمام متغیرهای مربوط وجود ندارد؛ به کار گرفته می‌شود. داده‌های پانل، ترکیبی از داده‌های مقطعی و سری زمانی می‌باشد. یعنی اطلاعات مربوط به داده‌های مقطعی در طول زمان مشاهده می‌شود. بدین صورت که چنین داده‌هایی دارای دو بعد می‌باشند که یک بعد آن مربوط به واحدهای مختلف در هر مقطع زمانی خاص است و بعد دیگر آن مربوط به زمان می‌باشد.

فرضیات تحقیق

باتوجه به بیان مسئله و اهداف پژوهش، فرضیه‌های تحقیق بصورت زیر مطرح می‌گردند:
فرضیه ۱: وجود مدیران توانا در شرکت‌ها باعث کاهش صورت‌های مالی متقلبانه می‌گردد.
فرضیه ۲: ارتباطات سیاسی باعث کاهش توانایی مدیریت در احتمال وقوع گزارشات مالی متقلبانه می‌گردد.

متغیرهای پژوهش

مدیریت سود (EM)

هیلی ووالن (۱۹۹۹) مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند، و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تاثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام میدهد [۱۹]. مدیران از طریق انتخاب روش‌های خاص حسابداری و همچنین در برآوردها می‌توانند سود را دستکاری نمایند. سود حسابداری بر اساس مبنای تعهدی شناسایی می‌شود. قسمتی از سود حسابداری نقدی می‌باشد و قسمتی از آن را ارقام تعهدی (تفاوت بین سود و جریان‌های نقدی) تشکیل می‌دهد. بخش تعهدی سود به مراتب از بخش نقدی آن دارای اهمیت بیشتری در ارزیابی عملکرد شرکت می‌باشد [۱۹]. ارقام تعهدی سود حسابداری به دو جز اختیاری (قابل دستکاری) و غیر اختیاری (مدیریت در پیدایش آن دخالتی ندارد) قابل تقسیم است [۱۹].

¹ Heeli&Valen

در این تحقیق متغیر وابسته مدیریت سود است از مدل تعدیل شده جونز استفاده خواهد شد. شکل تعدیل شده ای از مدل جونز را ارائه دادند. به نظر ایشان در مدل جونز بطور ضمنی فرض بر آن است که اقلام درآمد، نه در زمان برآورد پارامترهای مدل (دوره رویداد) و نه در زمان تخمین مدیریت سود (دوره برآورد) مورد اعمال نظر و دستکاری مدیریت قرار نمی گیرند. آنها با نقض این فرض، تغییرات فروش (درآمد) را در دوره برآورد، نشأت گرفته از مدیریت سود می دانند. بنابراین با وارد کردن تغییرات حسابهای دریافتی به این منظور در مدل اولیه جونز، "مدل تعدیل شده جونز" را به شرح زیر ارائه دادند:

در مدل یاد شده در اولین قدم مجموع اقلام تعهدی کل بر اساس یکی از دو فرمول زیر محاسبه می شود:

$$TA = NI - CFO \quad (1)$$

$$TA = \frac{[(\Delta CA_{it} - \Delta Cash_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta STEBT_{it}) - DEPTN_{it}]}{A_{it-1}} \quad (2)$$

که در آن:

(۱) TA : کل اقلام تعهدی، CFO : وجه نقد حاصل از عملیات، NI : سود خالص،

(۲) TA_{it} : مجموع اقلام تعهدی شرکت i در پایان سال t

ΔCA_{it} : تغییر در داراییهای جاری طی دوره t

ΔCL_{it} : تغییر در بدهیهای جاری طی دوره t

$\Delta Cash_{it}$: تغییر در وجه نقد طی دوره t

$\Delta STEBT_{it}$: تغییر در حصة جاری بدهیهای بلند مدت و سایر بدهیهای کوتاه مدت طبقه بندی شده در بدهیهای جاری طی دوره t

$DEPTN_{it}$: هزینه استهلاک داراییهای ثابت و داراییهای نامشهود در دوره t

پس از محاسبه کل اقلام تعهدی، پارامترهای α و β و γ به منظور تعیین اقلام تعهدی غیر اختیاری، از فرمول زیر برآورد می شود:

$$i,tTA_{it} = \alpha \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta \left(\frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \gamma \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon \quad (3)$$

که در آن:

TA_{it} : کل اقلام تعهدی شرکت i در پایان سال t

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در آمد فروش شرکت i بین سال $t-1$ و t

$PPE_{i,t}$: (مبلغ داراییهای ثابت ناخالص) اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص شرکت i سال t

$A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری داراییهای شرکت i در سال $t-1$

$\varepsilon_{i,t}$: خطای مدل برای شرکت i در سال t

α و β و γ : پارامترهای برآورد شده ی شرکت i

پارامترهای α و β و γ از طریق رگرسیون (۳) برای هر شرکت i در هر صنعت محاسبه می شود. با تخمین ضرایب مدل با جایگذاری در فرمول (۴) اقلام تعهدی غیر اختیاری هر شرکت در سال t بدست می آید. اقلام تعهدی غیر اختیاری از طریق فرمول زیر قابل محاسبه است:

$$NDA_{it} = \alpha \left(\frac{1}{A_{i,t}} \right) + \beta \left(\frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{i,t-1}} - \frac{\Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \gamma \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) \quad (۴)$$

که در آن :

ΔREC : معرف حسابهای دریافتنی است.

NDA_{it} : اقلام تعهدی غیراختیاری برای شرکت t در سال t

در مرحله آخر، اقلام تعهدی اختیاری (DA) به شرح زیر حساب شود (چانگ و همکاران، ۱۵۴، ۲۰۰۹):

$$DA_{i,t} = TA_{i,t} - NDA_{i,t} \quad (۵)$$

DA : اقلام تعهدی اختیاری است برای اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری از مدل اقلام تعهدی اختیاری

جونز، که بوسیله دیچو و همکاران (۱۹۹۵) پیشنهاد شده استفاده می شود:

(۶)

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_{it} \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_{2t} \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_{3t} \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_i$$

اقلام تعهدی اختیاری بدست آمده برای شرکت در سال t شاخص مدیریت سود برای آن شرکت خواهد بود.

توانایی مدیریت ($MAABILITY$): توانایی مدیریت که با توجه به جز خطا رگرسیون مدل دمرجیان اندازه گیری می شود.

$$Firm\ Efficiency = \alpha_0 + \alpha_1 Size_t + \alpha_2 Market\ Share_t + \alpha_3 Free\ Cash\ Flow_t + \alpha_4 Age_t + \alpha_5 Foreign\ Currency\ Indicator_t + \varepsilon_t$$

Firm Efficiency: کارایی شرکت

Size: اندازه شرکت

Market Share: تعداد سهام بازاری شرکت

Free Cash Flow: جریانهای آزاد نقدی

Age: سن شرکت

Foreign Currency Indicator: شاخص ارز خارجی

ε : جزء خطا که در این معادله توانایی مدیریت از طریق آن اندازه گیری می شود.

ارتباطات سیاسی (**POLITICAL**): ارتباطات سیاسی متغیر دومی است که اگر مدیر شرکت عضو

دستگاههای اجرایی کشور باشد عدد ۱ وگرنه عدد ۰ دریافت می کند.

اندازه شرکت حسابرسی (**BIG**): اگر شرکت حسابرس جزء ۱۰ شرکت حسابرسی بزرگ کشور باشد عدد

۱ وگرنه عدد ۰ را دریافت می نماید.

اقلام تعهدی (**DA**): اقلام تعهدی را با توجه به فرمول زیر محاسبه می گردد:

ابتداء اقلام تعهدی کل از طریق فرمول زیر برآورد خواهد شد:

$$ACC_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CF_{i,t} + \beta_2 D_{i,t} + \beta_3 D_{i,t} * CF_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$ACC_{i,t} = \alpha_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{i,t-1}} - \frac{\Delta AR_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \frac{PPE_{it}}{A_{i,t-1}} + \alpha_4 \frac{NetIncome_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{it}$$

در این فرمول:

α = برابر است با ضریب ثابت.

TA_{it} = اقلام تعهدی کل

$TA_{it} = NI - OCF$

که در آن:

NI = درآمد خالص

OCF = جریان‌های نقدی عملیاتی

$A_{i,t-1}$ = اقلام تعهدی در سال ماقبل سال جاری.

ΔREV_{it} = برابر است با تغییرات در فروش شرکت که نحوه محاسبه آن به صورت زیر است:

$$= \frac{S_{i,t} - S_{i,t-1}}{S_{i,t-1}} \Delta REV_{i,t}$$

ΔREV_{it} = رشد فروش شرکت i در سال t

$S_{i,t}$ = فروش خالص شرکت i در سال t

$S_{i,t-1}$ = فروش خالص شرکت i در سال $t-1$ می‌باشد.

ΔAR_{it} = برابر است با تغییرات در مطالبات شرکت.

$$= \frac{AR_{i,t} - AR_{i,t-1}}{AR_{i,t-1}} \Delta AR_{i,t}$$

ΔAR_{it} = رشد مطالبات شرکت i در سال t

$AR_{i,t}$ = مطالبات شرکت i در سال t

$AR_{i,t-1}$ = مطالبات شرکت i در سال $t-1$ می‌باشد.

PPE_{it} = برابر است با خالص ارزش دفتری اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات.

$$NetIncome_{it-1}$$

= برابر است با درآمد خالص شرکت در سال ماقبل مورد بررسی.

پس از محاسبه اقلام تعهدی کل و جایگذاری آن در مدل برآوردی زیر، اقلام تعهدی اختیاری از طریق فرمول زیر برآورد خواهد شد:

$$DA_{it} = \varepsilon_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(\hat{\alpha}_1 \frac{1}{A_{it-1}} + \hat{\alpha}_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta AR_{it}}{A_{it-1}} \right) + \hat{\alpha}_3 \frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} + \hat{\alpha}_4 \frac{NetIncome_{it-1}}{A_{it-1}} \right)$$

انحراف معیار قیمت سهام (PRICESTD): انحراف معیار قیمت سهام نسبت به میانگین قیمت

$$\sigma = \sqrt{\frac{1}{N} \sum_{i=1}^N (x_i - \mu)^2}$$

اندازه شرکت (Size): اندازه شرکت که از طریق LN دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد.

$$Size = LN(Asset)$$

اهرم مالی (LEV): اهرم که از تقسیم کل بدهی بر دارایی شرکت بدست می‌آید.

بازده حقوق صاحبان سهام (ROE): بازده حقوق صاحبان سهام عبارت است از سود خالص تقسیم بر مقدار حقوق صاحبان سهام.

$$ROE = \frac{NET\ Incom}{Share\ Holder\ Equity}$$

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (B/M): ارزش دفتری به ارزش بازار: از تقسیم ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت بدست می‌آید.

$$\frac{B}{M} = (Book\ Value) / (Market\ Value)$$

اندازه هیات مدیره (BOARDSize): اندازه شرکت از طریق تعداد مدیران در هیات مدیره شرکت مشغول به فعالیت هستند اندازه‌گیری می‌شود.

سن شرکت (AGE): سن شرکت که از طرق اختلاف سال انجام تحقیق تا تاسیس شرکت بدست می‌آید.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور از داده‌های سالانه شرکت‌ها مذکور که در طی دوره تحقیق فعالیت مستمر داشته‌اند استفاده گردیده است. بازه زمانی تحقیق به مدت ۵ سال است که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته‌شده است.

نمونه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ است که واجد شرایط ذیل بوده‌اند:

۱. جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها، واسطه‌گری‌های مالی و هلدینگ به دلیل متفاوت بودن ماهیت و طبقه‌بندی اقلام صورت‌های مالی نسبت به شرکت‌های تولیدی نباشند،

۲. سهام شرکت‌ها دارای ارزش دفتری مثبت باشند،
 ۳. فاقد توقف معاملاتی برای مدت بیش از ۳ ماه باشند،
 ۴. سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشند.

مدل فرضیه اول:

$$Prob(EM = 1) = F(\beta_0 + \beta_1 MAABILITY_t + \beta_2 BIG10_t + \beta_3 DA_t + \beta_4 PRICESTED_t + \beta_5 SIZE_t + \beta_6 LEV_t + \beta_7 ROE_t + \beta_8 MB_t + \beta_9 BOARDSIZE_t + \beta_{10} AGE_t + \sigma. INDUSTRY + \theta. YEAR + e_t)$$

مدل فرضیه دوم:

$$Prob(EM = 1) = F(\beta_0 + \beta_1 MAABILITY_{i,t} + \beta_2 PALITICAL_{i,t} + \beta_3 MABILITY_{i,t} * POLITICAL_{i,t} + \beta_4 BIG10_{i,t} + \beta_5 DA_{i,t} + \beta_6 PRICESTED_{i,t} + \beta_7 BoardSize_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \beta_{10} ROE_{i,t} + \beta_{11} MB_{i,t} + \beta_{12} AGE_{i,t} + \sigma. INDUSTRY + \theta. YEAR + e_t)$$

نتایج تحقیق

آمار توصیفی

جدول: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	مدیریت سود	توانایی مدیریت	ارتباطات سیاسی	اندازه شرکت حسابرسی	اقدام تعهدی	انحراف معیار قیمت سهام	اندازه هیات مدیره
میانگین	-۰٫۱۴	۰٫۰۰۷	۰٫۵۱	۰٫۵۵	۱۴۰۵۸۸	۱۹۵۵	۵٫۲۳۴
میانه	۰٫۰۰۷	۰٫۰۰۷	۱	۱	۲۵۷۴۷	۸۷۵	۵
حداکثر	۱٫۹۳	۰٫۰۱۲	۱	۱	۸۰۴۳۴۹۵۵	۲۱۶۷۶	۷
حداقل	-۹٫۰۳۸	۰٫۰۰۰۹	۰	۰	-1.61E+08	۰	۵
انحراف معیار	۱٫۲۲	۰٫۰۰۱	۰٫۵	۰٫۴۹	۹۸۸۰۱	۲۹۴۱	۰٫۶۴
آزمون چارک برا	۰	۰٫۳	۰	۰	۰	۰	۰
تعداد مشاهدات	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰
نام متغیر	اندازه شرکت	اهرم	بازده حقوق	نسبت ارزش بازار	عمر شرکت	متغیر صنعت	متغیر سال

			به ارزش دفتری	صاحبان سهام			
۱۳۹۳	۳,۸۹	۳۷,۷۲	۲,۷۸	۰,۱۳	۰,۶۲	۱۴,۳۱	میانگین
۱۳۹۳	۴	۳۹	۲,۲۳	۰,۲۶	۰,۶	۱۴,۰۴	میانه
۱۳۹۵	۷	۶۴	۱۲۱,۵	۹,۳۶	۲,۳۷	۱۹,۱۴	حداکثر
۱۳۹۱	۱	۱۰	-۲۵,۴	-۷۲	۰,۰۶	۱۰,۶۷	حداقل
۱,۴۱	۱,۷۲	۱۲,۷۳	۶,۲۹	۳,۱۹	۰,۲۸	۱,۵۱	انحراف معیار
۰	۰,۰۰۸	۰	۰	۰	۰	۰	آزمون جارج برا
۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	تعداد مشاهدات

آزمون نهایی فرضیه اول

فرضیه ۱: وجود مدیران توانا در شرکت‌ها باعث کاهش صورت‌های مالی متقلبانه می‌گردد. با توجه به نتایج داده‌های فرضیه اول دارای مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس نبوده و داده‌های این فرضیه از نوع اثرات ثابت است.

جدول آزمون فرضیه اول

متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال آماره
توانایی مدیریت	-۰,۲۱	-۰,۰۰۰۸	۰,۰۹
اندازه شرکت حسابرسی	۱,۱۷	۱,۲۶	۰,۲
اقدام تعهدی	1.11E-06	۲۹,۸	۰,۰۰
انحراف معیار قیمت سهام	۴۴,۳۲	۱,۳	۰,۱۹
اندازه شرکت	-۰,۴۲	-۱,۹۱	۰,۰۵
اهرم	-۲,۶۱	-۰,۷۶	۰,۴۴
بازده حقوق صاحبان سهام	-۰,۱۲	-۰,۰۳	۰,۹۷
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	-۰,۴۱	-۱,۱۹	۰,۲۳
اندازه هیات مدیره	-۰,۴۱۹	-۰,۰۵۸	۰,۵۶
عمر شرکت	-۰,۰۹	-۲,۳۷	۰,۰۱

متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال آماره
متغیر صنعت	-۰,۰۵	-۱,۴	۰,۱۶
متغیر سال	۰,۴۵	-۱,۳۷	۰,۱۶۹
متغیر ثابت	-۶۱۴,۹	-۱,۳۵	۰,۱۷
ضریب تعیین		۰,۴۸	
آماره دوربین واتسون		۱,۸۲۴۳	
آماره F		۴۵,۱۶۲۴	
احتمال آماره		۰,۰۰۰۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج مربوط به احتمال آماره (F) نشان می‌دهد که مدل فرضیه اول، در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین واتسون (۱,۸۴۳) می‌توان فهمید که مشکل خودهمبستگی رفع شده است. علاوه بر آن نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می‌دهد که در دوره پژوهش ۴۸٪ درصد از تغییرات متغیر وابسته، تحت تأثیر متغیرهای مستقل و کنترلی این آزمون بوده است. این به آن معنی است که متغیر وجود مدیران توانا در شرکت‌ها و متغیرهای کنترلی اثر معناداری بر کاهش صورت‌های مالی متقلبانانه دارند. با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق بین متغیرهای وجود مدیران توانا در شرکت‌ها و کاهش صورت‌های مالی متقلبانانه رابطه معنادار بوده است، همچنین می‌توان گفت که وجود مدیران توانا در شرکت‌ها بر کاهش صورت‌های مالی متقلبانانه در بورس اوراق بهادار تهران اثر معناداری دارد و وجود مدیران توانا در شرکت‌ها به عنوان یکی از شاخص‌های کاهش صورت‌های مالی متقلبانانه در بورس اوراق بهادار تهران داشته است.

آزمون نهایی فرضیه دوم

فرضیه ۲: ارتباطات سیاسی باعث کاهش توانایی مدیریت در احتمال وقوع گزارشات مالی متقلبانانه می‌گردد. با توجه به جداول نتایج داده‌های فرضیه اول دارای مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس نبوده و داده‌های این فرضیه از نوع اثرات ثابت است.

جدول آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال آماره
توانایی مدیریت	-۱۷۹,۲۹	-۰,۵۴	۰,۵۸
ارتباطات سیاسی	۲,۲۲	۰,۶۷	۰,۴۹
ارتباطات سیاسی* توانایی مدیریت	-۳۳۳	-۰,۷۱	۰,۴۷

متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال آماره
اندازه شرکت حسابرسی	۱,۱۶	۱,۲۵	۰,۲۱
اقدام تعهدی	1.11E-06	۲۹,۷	۰,۰۰
انحراف معیار قیمت سهام	۴۴,۱	۱,۲۹	۰,۱۹
اندازه شرکت	-۰,۴۱	-۱,۸۸	۰,۰۵
اهرم	-۲,۷	-۰,۹	۰,۴۲
بازده حقوق صاحبان سهام	-۰,۲۶	-۰,۰۷	۰,۹۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰,۴۳	-۱,۲۲	۰,۲۲
عمر شرکت	-۰,۰۹	-۲,۳۶	۰,۰۱
متغیر صنعت	-۰,۰۵	-۱,۴۱	۰,۱۵
متغیر سال	۰,۴۲	۱,۳۰	۰,۱۹
متغیر ثابت	۵۸۷,۵	-۱,۲۸	۰,۱۹۷
ضریب تعیین		۰,۸۵۶۵	
آماره دوربین واتسون		۱,۸۲۰۴	
آماره F		۴۳,۶۲۶۲	
احتمال آماره		۰,۰۰۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج مربوط به احتمال آماره (F) ۰,۰۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل فرضیه دوم، در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین واتسون (۱,۸۲۰۴) می‌توان فهمید که مشکل خودهمبستگی رفع شده است. علاوه بر آن نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می‌دهد که در دوره پژوهش، ۰,۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته، تحت تأثیر متغیرهای مستقل و کنترلی این آزمون بوده است. این به آن معنی است که متغیر ارتباطات سیاسی و متغیرهای کنترلی اثر معناداری بر کاهش توانایی مدیریت در احتمال وقوع گزارشات مالی متقلبانه دارند. با توجه به نتایج حاصل از جدول بین متغیرهای ارتباطات سیاسی و کاهش توانایی مدیریت در احتمال وقوع گزارشات مالی متقلبانه رابطه معنادار بوده است، همچنین می‌توان گفت که ارتباطات سیاسی بر کاهش توانایی مدیریت در احتمال وقوع گزارشات مالی متقلبانه در بورس اوراق بهادار تهران اثر معناداری دارد و ارتباطات سیاسی به عنوان یکی از شاخص‌های کاهش توانایی مدیریت در احتمال وقوع گزارشات مالی متقلبانه در بورس اوراق بهادار تهران داشته است.

تفسیر نتایج

به زعم باروچ^۱ توانمند سازی فقط کلامی نیست، بلکه مقدمه تصویری از تمایلات جاری علم مدیریت اخیر است؛ حکایتی از کار با مردم و تغییر جهت سبک مدیریت از بالا به پایین است که امروزه با مطرح شدن بحث‌های جدیدی نظیر مهندسی مجدد و تغییر ساختار بر اهمیت آن افزوده شده است. برخی از صاحب نظران، مفهوم توانمند سازی را گسترش می‌دهند و به هر وضعیتی اطلاق می‌کنند که حس لیاقت و در کنترل داشتن امور را به افراد بدهند، نیروی لازم را برای ابتکار عمل فراهم آورند و آنان را در کارهای معنادار ثابت قدم سازند. از این منظر، توانمند سازی نیروی انگیزشی کاملاً فردی و چند وجهی است که می‌تواند از درون فرد یا به واسطه همکاران یا مدیر برانگیخته شود. توانمند سازی از طریق تغییر در ادراکات از خود و همچنین در رفتارهای دیگران نمود پیدا می‌کند. کارکنان می‌توانند صلاحیتشان را به شیوه‌های نوین به کار بگیرند. همچنین می‌توانند صلاحیت‌های جدیدی را در جهت مقاصد تازه ایجاد کنند؛ برای مثال کارکنانی که نحوه انجام دادن کار را از همکاران و از راه آموزش متقابل یاد می‌گیرند، قادرند گروه‌هایی کاری در جهت بهبود عملکرد کلی به شیوه‌های متفاوت ایجاد کنند: ۱- به بحران‌های با سهولت بیشتر پاسخ دهند؛ زیرا بیش از یک نفر در مورد هر شغل مهارت و آگاهی دارند. ۲- نیازهای ارباب رجوع را به طور مؤثر برآورده می‌سازند؛ زیرا هنگامی که فرد اصلی غایب باشد، افراد دیگر می‌توانند به درخواست ارباب رجوع پاسخ دهند. ۳- حجم کارها تقسیم می‌شود؛ زیرا افراد می‌توانند به انجام دادن کار، هنگامی که حجم آن زیاد شود، کمک کنند. ۴- کارکنان دانش و مهارتی را کسب می‌کنند که می‌تواند برای بهبود همه وظایف گروه کاری به کار گرفته شود. مفهوم کامل توانمند سازی هنگامی محقق می‌شود که آن را عامل پدید آورنده شیوه‌های تازه برای افراد و گروه‌ها در جهت ایجاد سطوح بالاتر صلاحیت و همچنین ایجاد شیوه‌های کامل‌تر نفوذ در نحوه عمل سازمان بدانیم. هنگامی که کارکنان صلاحیت بیشتری ایجاد می‌کنند و راه‌های جدیدی برای به کار گیری این صلاحیت می‌یابند، هیچ فرد و گروهی قدرت کمتری ندارد. قدرت تقسیم نشده، بلکه ایجاد گردیده است. توانمند سازی باید بدین معنا باشد که از هر فردی انتظار می‌رود برای اعمال نفوذ مبتنی بر صلاحیت خود شیوه تازه‌ای بیابد [۱۷].

فهرست منابع

۱. اعتمادی، حسین، زلفی حسن، (۱۳۹۲)، "کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه"، پژوهشگاه علوم انسانی، ۵۱، ص ۷۴-۹۵.

^۱ Baruch

۲. بیستون، صالحزاده، (۱۳۸۸)، "توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی"، **دانش حسابداری شریف**، ۱۷، ص ۱۱۹-۱۳۹.
۳. رضایی، فرزین، افروزی، لیلا، (۱۳۹۴)، "رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی"، **پژوهش حسابداری**، ۴، ص ۵۱-۶۸.
۴. رهنمای رودپشتی، فریدون، (۱۳۹۱)، "داده کاوی و کشف تقلب مالی"، **دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت**، ۳، ص ۱۹-۳۹.
۵. صفرزاده، محمد حسین، (۱۳۸۹)، "توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت"، **دانش حسابداری**، ۱، ۱۳۷-۱۶۳.
۶. عبداللہی نژاد، علیرضا، افخمی، حسین، (۱۳۹۱)، "ارتباطات سیاسی در ایران: فرا تحلیل مقاله‌های علمی موجود"، **جستارهای سیاسی معاصر**، ۵، ص ۹۵-۱۱۳.
۷. ابراهیمی کردلر علی، رحمانی پیچا نورالله، (۱۳۹۵) "بررسی رابطه توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران"، **دانش حسابداری**، ۳۲، ص ۴۴-۶۸.
۸. منصورفرغلامرضا، حسین پوروحید، (۱۳۹۴)، "بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، ۱، ص ۳۷-۵۴.
۹. وکیلی فرد حمید رضا، جبارزاده سعید، (۱۳۸۸)، "بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی"، **مجله حسابداری**، ۱، ص ۴۴-۶۵.
۱۰. مشایخ، شهناز، اسماعیلی، مریم، (۱۳۸۵)، "بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ۲۵، ص ۲۵-۴۴.
۱۱. وحیدی، ابراهیم، حامدیان، حامد، (۱۳۸۸)، "برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری مالی متقلبانه"، **تحقیقات‌های حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۳، ص ۱۶۲-۱۹۷.

۱۲. رضایی، فرزین، ویسی حصار، ثریا، (۱۳۹۳)، "اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی"، *تحقیقات های حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، ۲۱، ص ۴۴۹-۴۷۰

13. Allen, F., Qian, J., Qian, M., (2015). "Law, finance, and economic growth in China". **J. Financ. Econ** ,77 (1), 57–116.
14. Agrawal, A., Knoeber, C.R., (2011). "Do some outside directors play a political role?" **J. Law Econ**,44 (1), 179–198.
15. Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D., Kinney, W., LaFond, R., (2017) ,"The effect of SOX internal control deficiencies and their remediation on accrual quality" , **Acc.Rev**, 83 (1), 217–250.
16. Bamber, L.S., Jiang, J., Wang, I.Y., (2010) ,"What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure" , **Acc. Rev.** 85 (4), 1131–1162.
17. Beneish, M.D., (2015)5 ," Incentives and penalties related to earnings overstatements that violate GAAP" , **Acc. Rev**, 74 (4), 425–457.
18. Bertrand, M., Schoar, A., (2013) , "Managing with style: the effect of managers on firm policies" , **Q. J. Econ**, 118 (4), 1169–1208.
19. Bouakri, NT, Cosset, J., Saffar, W , (2017)c,"hPolitical, connections of newly privatized firms" , **J. Corp. Financ**, 14 (5), 654–673.
20. Caliendo, M., Kopeinig, S., (2016) ," Some practical guidance for the implementation of propensity score matching" , **J. Econ. Surv**, 22 (1), 31–72.
21. Du, N., Ronen, J, Ye, J., (2015) ," Auditors' role in China: the joint effects of Guanxi and regulatory sanctions on earnings management" , **J. Acc. Audit, Financ**, 30(4), 461–483.
22. Firth, M., Fung, P., Rui, O.M., (2016) ," Firm performance, governance structure, and top management turnover in a transitional economy" , **J. Manage. Stud**, 43(6), 1289–1330.

23. Francis, J., Huang, A.H., Rajgopal, S., Zang, A., (2015) ,” CEO reputation and earnings quality” , **Contemp. Acc. Re**, 25 (1), 109–147.
24. Jayaraman, S., Milbourn, T., (2015)” CEO equity incentives and financial misreporting: the role of auditor expertise” , **Acc. Re**, 90 (1), 321–350.
25. Karpoff, J., Lee, D., Martin, G., (2018) ,” The consequences to managers for financial misrepresentation” , **J. Financ. Econ**, 88 (2), 193–215.
26. La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., (2013) ,” The economic consequences of legal origins” , **J. Econ. Lite**, 46 (2), 285–332.
27. Sz wajkowski, .., (1985) ,” Organizational illegality: theoretical integration and illustrative application” , **Acad. Manag. Rev**, 10 (3), 558–567.
28. Xiao, G., (2015) ,” Trading and earnings management: evidence from China’s non-tradable share reform” , **J. Corp. Financ**, 31 (April), 67–90.
29. Yang, H.I., (2012) ,” Capital market consequences of managers’ voluntary disclosure styles” , **J. Acc. Econ**, 53 (1/2), 167–184.
30. Zhang, P., Qi, H.H., (2014) ,” Business environment, political resources and auditor selection: evidence from China” , **Commer. Res**, 444, 78–85.



The study of relationship between management ability, political relationship and reporting fake finance

Mahmoud Hematfar (PhD)¹©

Associate Professor, Department of Accounting, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

(Received: 2 July 2019; Accepted: 15 December 2019)

Empowerment is not the process of dividing a fixed amount of power; it is a process by which the relative power of each person increases, and a new power is created for the organization. Empowerment is a qualitative influence that must be created. Distorting financial statements involves manipulating the constituent elements by providing more than real assets, selling and earning, or offering less debt, costs, and losses. In cases where financial statements contain distortions, it is said that fraud has been committed in such a way that the constituent elements of that financial statement do not represent reality. In spite of numerous foreign investigations regarding the discovery of fraud in financial reports, this issue has not received much attention within the country. Therefore, the present study investigates the relationship between managerial capability, political communication and fraudulent financial reporting in Tehran Stock Exchange. The present research is based on the objective classification of applied research. Also, to estimate the above models, regression estimation is used by panel data. The statistical population of the study includes all companies accepted in Tehran Stock Exchange and the research period is from 2013 to 1396 for a period of 5 years. The results of the research indicate that the existence of powerful executives in companies has led to a reduction in fraudulent financial statements. It was also found that political communication reduced management ability in the event of fraudulent financial reports.

Keywords: Management Ability, Political Communication, Fraudulent Financial Reporting.

¹ dr.hematfar@yahoo.com © (Corresponding Author)